**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

در دوران امر بین متباینین قسمتی از کلام محقق خراسانی و محقق نائینی را اشاره کردیم. خواستیم قسمتی از کلام محقق عراقی و برخی دیگر را اشاره کنیم که فعلا اشاره نمی‌کنیم. به علت خلطی که در کلمات بعضی از اعلام هست ما ابتدا برای تنقیح این بحث و بیان نظریه مختار، عنوان بحث را اشاره می‌کنیم و دو مطلب و بحث جمع بندی می‌شود و انظار آقایان روشن می‌شود.

**عنوان بحث:** آیا در دوران امر بین متباینین که یک علم اجمالی داریم آیا مخالفت قطعی با علم اجمالی حرام است یا نه؟ و آیا موافقت قطعی با علم اجمالی واجب است یا نه؟

اینجا دو مطلب و دو مقام باید جمع بندی شود:

**مقام اول:** آیا در عالم ثبوت شارع مقدس می‌تواند در اطراف علم اجمالی با جعل حکم ظاهری به ما اجازۀ ترخیص بدهد یا نه ثبوتا محذور دارد و به هیچ وجه در اطراف علم اجمالی ترخیص شرعی قابل تصور نیست؟

**مقام دوم:** بر فرض اینکه ثبوتا ترخیص محذور نداشته باشد، آیا دلیلی داریم که شارع مقدس در اطراف علم اجمالی به ما ترخیص داده باشد؟ اگر اطراف علم اجمالی واجب است، ترک کنید و اگر حرام است ترک کنید، یا نه دلیل بر ترخیص نداریم و اگر دلیلی بر ترخیص نداریم عقل چه حکم می‌کند؟

در مقام اول کلمات اصولیین را بررسی می‌کنیم مثل محقق نائینی، محقق عراقی، محقق خوئی و شاگردانشان، سه محذور ثبوتی بر شمرده‌اند هر کدام یکی از اینها را و ادعا کرده‌اند ثبوتا شارع مقدس به خاطر یکی از این سه محذور نمی‌تواند در اطرف علم اجمالی برای ما جعل ترخیص کند. این سه محذور را ذکر می‌کنیم شما کلمات اعلام را مراجعه کنید.

فوائد الاصول محقق نائینی ج 4 ص 6، اجود التقریرات ج 2 ص [[2]](#footnote-2)241، مصباح الاصول ج 2 ص 346، اینها را مراجعه کنید و ببینید هر وجه از کدام یک از این محققین است؟ محقق عراقی هم در حاشیه فوائد و هم در نهایه الافکار مطلب دارند. قبل از بیان این سه محذور ابتدا یک مقدمۀ کلامی اشاره کنیم.

**مقدمه:** در علم کلام بحثی است که آیا افعال الله تبارک و تعالی معلل به اغراض است یا نه؟ آیا هر فعلی که ذات مقدس حق جل و اعلی دارد چه افعال تکوینی و چه افعال تشریعی، آیا در این فعل غرضی وجود دارد یا نه؟

**مبنای اول:** اشاعره و سلفیه قائلند که افعال الله معلل به اغراض نمی‌باشد، حالا جزئیاتی دارد شرح مواقف جرجانی ج 8 ص 244 را مراجعه کنید نظر آنها را توضیح می‌دهد.

**مبنای دوم:** این است که افعال الله معلل به اغراض است یعنی ذات مقدس حق هر فعل تکوینی و تشریعی که انجام می‌دهد به یک چیزی تکوینا وجود می‌دهد یا یک حکمی را جعل می‌کند یک غرض و غایتی از این فعل خودش مد نظر دارد البته این غرض لایرجع الی نفسه، و الا ذات مقدس می‌شود معاذ الله می‌شود محتاج، غرض یرجع الی غیره.

اینکه افعال الله معلل به اغراضی است هر فعلی از افعال خداوند غرضی دارد، مقدمه می‌شود برای این قاعده که در علوم عقلی گفته می‌شود نقض غرض بر شخص حکیم محال است، کسی که غرضی از فعل دارد آن فعل را انجام بدهد به خاطر آن غرض و هنوز آن غرض برآورده نشده آن غرض را نقض کند مولای حکیم این کار را نمی‌کند و محال است.

این قاعده فراوان در عقائد، اصول و فقه انبوه مورد تمسک قرار می‌گیرد که نقض غرض محال است. مثال عصمت نبی و اهل البیت را خواجه نصیر الدین طوسی، شیخ طوسی، محقق حلی با این دلیل اثبات می‌کنند، اگر نبی و امام معصوم نباشد نقض لازم می‌آید. البته قاعدۀ نقض غرض عصمت آنها را بعد از رسالت اثبات می‌کند اما اثبات عصمت قبل از رسالت باید به دلیل دیگر اثبات کرد. کتاب انیس الموحدین از محقق نراقی که کتاب فارسی است که کتاب خوبی است عصمت پیامبر و اهل را قبل از رسالت اثبات می‌کند. بعضی مثل مرحوم لاهیجی در گوهر مراد و ملاصدرا در مبدأ و معاد به دلیل دیگری غیر از نقض غرض استدلال می‌کنند که باید آن دلیل را بحث کرد که مناقشه دارد) خواستیم اشاره کنیم به قاعدۀ نقض غرض.

اولین محذوری که اصولیین برای اینکه جعل حکم ظاهری در اطراف علم اجمالی محذور دارد مطرح می‌کنند. می‌گویند جریان اصول عملی و جعل حکم ظاهری در اطراف علم اجمالی نقض غرض است و نقض غرض از مولای حکیم محال است.

**توضیح مطلب:** می‌گویند اگر در اطراف علم اجمالی مولا با جریان اصول عملی یک ترخیص برای ما بیاورد، این ترخیص مصداق نقض غرض است. به این بیان که از طرفی در بحث قطع خوانده‌ایم که قطع برای انسان یک حکم شرعی می‌آورد قطع نجاست، که «اجتنب عنه» اگر علم اجمالی باشد حکم چنین است «اجتنب عن احدهما»، این حکم و اعتبار شرعی لامحاله غرضی در آن نهفته است، حتما اجتناب کن تا به آن غرض برسی، هنوز مکلف اجتناب نکرده است همان مولا با جعل حکم ظاهری ترخیص بیاورد و بگوید اجتناب لازم نیست این نقض غرض است. از طرفی گفت فرض این است علم اجمالی است «اجتنب عن احدهما» این اعتبار شرعی به خاطر یک غرضی است، از طرف دیگر هنوز غرض امتثال نشده است گفت تو مرخصی، این نقض غرض است و نقض غرض بر مولای حکیم محال است لذا می‌گویند ثوتا جعل ترخیص در اطراف علم اجمالی استحاله دارد.

شما منابع را مراجعه کنید ببینید کدام یک از آقایان این محذور را بیان می‌کنند؟

**محذور دوم:** گفته شده است، بعضی این بیان را دارند که ترخیص در اطراف علم اجمالی مستلزم تناقض در حکم عقل است و این هم محال است.[[3]](#footnote-3)

**توضیح مطلب:** اینکه مولائی که حق مولویتش بر ما ثابت است هر حکمی که داشته باشد بلافاصله عقل هم یک دیدگاهی دارد، وقتی مولا گفت «یجب صلاۀ الجمعه»، عقل می‌گوید حق مولویت این مولا اقتضا می‌کند توی مکلف باید متابعت کنی و دستور را اجرا کنی، در هر یک از احکام مولا بلافاصله عقل دستور لزوم اجرا را به انسان می‌دهد.

حالا آقایان می‌گویند از طرفی ما علم اجمالی داریم بعد از علم اجمالی شارع یک دستور دارد «اجتنب عن احدهما» علم وجوب اجتناب می‌آورد تا وجوب اجتناب آمد عقل می‌گوید باید این دستور را اجرا کنی یعنی باید از یکی از این دو اجتناب کنی، همین جا اگر مولا ترخیص بیاورد باز عقل یک حکمی دارد می‌گوید مولا گفته ترخیص تو آزادی، می‌گویند می‌شود تناقض در حکم عقل، عقل در همین مود اطراف علم اجمالی می‌گوید مولا گفته است اجتناب کن، پس اجتناب کن باز دوباره می‌گوید مولا گفته است آزادی پس آزادی و این تناقض در حکم عقل است و تناقض در حکم عقل محال است پس معلوم می‌شود جعل ترخیص در اطراف علم اجمالی از طرف مولا محال است.

محذور سوم کلام محقق اصفهانی است که خواهد آمد.

1. - جلسه دوازدهم - مسلسل 130 – شنبه – 5/7/1399 [↑](#footnote-ref-1)
2. - أجود التقريرات ؛ ج‏2 ؛ ص241: «فتحصل ان المحذور في جريان الأصول في تمام أطراف العلم أحد أمرين على سبيل منع الخلو (الأول) لزوم التناقض من جريانها كما في موارد الأصول التنزيلية مطلقا (الثاني) لزوم الترخيص في المعصية كما في موارد الأصول النافية للتكليف مطلقا و حيث ان هذين المحذورين عقليان فعدم جريان الأصول في أطراف العلم الإجمالي يكون مستنداً إلى مانع ثبوتي مع قطع النّظر عن مقام الإثبات ...‏». [↑](#footnote-ref-2)
3. - أجود التقريرات ؛ ج‏2 ؛ ص241: «فتحصل ان المحذور في جريان الأصول في تمام أطراف العلم أحد أمرين على سبيل منع الخلو (الأول) لزوم التناقض من جريانها كما في موارد الأصول التنزيلية مطلقا». [↑](#footnote-ref-3)